افغانستان، پناهگاه امن تروریست‌ها و ستیزه‌جویان

محمدعلی عباسی افغان: توماس نیکلسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان، می‌گوید این کشور به پناهگاه امن بسیاری از سازمان‌های تندرو و ستیزه‌جویان تبدیل شده است. او هشدار داده که با تهدیدهای فزاینده داعش وضعیت افغانستان بدتر خواهد شد. نکته درخورتوجه در گفته‌های نماینده ویژه اروپا در افغانستان هشداری است که به جهان می‌دهد اما جالب‌تر از آن این است که با همه این هشدارها جهان تعاملی بسیار سازنده با گروه طالبان دارد و در مقابل این گروه بسیار با نرمش رفتار می‌کند و هرچند در ظاهر با سیاست‌های این گروه در افغانستان تعارض دارد اما در عمل چنین چیزی را ما شاهد نیستیم. در ابتدای به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان حداقل انتظاری که از جامعه جهانی می‌رفت این بود که با این گروه به‌گونه‌ای برخورد شود که از رفتارهای خشونت‌آمیزش با مردم افغانستان کاسته شود و راه و روش متعادل‌تری را هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی در پیش گیرد. اما با گذشت نزدیک به یک‌سال‌ونیم از قدرت‌گیری این گروه، ما چنین چیزی را مشاهده نکردیم. از سویی طالبان رفتار وقیحانه‌تری نسبت به مردم افغانستان دارند و روزبه‌روز بر دامنه خشونت‌شان می‌افزایند و از طرف دیگر برای خواسته‌های جامعه جهانی هیچ ارزشی قائل نیستند. نقش مردم افغانستان در بازی‌های سیاسی در معادلات افغانستان دیگر چندان مطرح نیست و مردم صرفا پوششی هستند برای طالبان و جامعه جهانی که می‌خواهند از آن به‌عنوان اهرم فشار در چانه‌زنی‌های سیاسی علیه همدیگر استفاده کنند. تعامل غرب و شرق در افغانستان حداقل در صد سال تاریخ معاصر افغانستان بی‌سابقه بوده است و جالب است که یادآور شوم داودخان با همه زیرکی‌اش نتوانست از رقابت‌های شرق و غرب در افغانستان به نفع خودش استفاده کند و همین حربه باعث سقوط دولتش شد اما طالبان دقیقا برخلاف دولت‌های پیشین با وجود آنکه در ظاهر با تمام دنیا در تضاد هستند، در پشت‌پرده سیاست نشان می‌دهند که تعاملی خوبی با همه دنیا دارند و هیچ مشکلی بر سر راه حکومتشان وجود ندارد. رفتار طالبان بعد از گذشت یک‌سال و نیم از حکومتشان، با مردم افغانستان نه‌تنها تغییر مثبتی نکرده بلکه نسبت به اوایل حکومتشان خشونت بیشتری از خود در مقابل مردم نشان می‌دهند و با وجود همه هشدارهای که از طرف جامعه جهانی داده می‌شود، ما تأثیر چندانی در رفتار این گروه نمی‌بینیم و این خود نشان می‌دهد که تمامی این هشدارها فقط در ظاهر و برای گمراه‌کردن افکار عمومی مردم دنیاست وگرنه باید از خشونت رفتاری طالبان نسبت به مردم افغانستان کاسته می‌شد. از سوی دیگر حمایت طالبان از گروه‌های تندرو هم ابعاد وسیع‌تری به خود گرفته است و این گروه‌ها روزبه‌روز به دامنه قدرتشان افزوده می‌شود و گزارش‌های از این دست هرازگاهی در رسانه‌های منطقه و دنیا منتشر می‌شود و نکته جالب این گزارش‌ها هم این است که فقط در حد همین گزارش باقی می‌ماند و عمل یا عکس‌العملی از طرف جامعه جهانی مشاهده نمی‌کنیم. نقش طالبان در گسترش نفوذ گروه‌های تندرو تروریستی در منطقه بر هیچ‌کسی پوشیده نیست اما اینکه جامعه جهانی فقط در حد شعار و چند مصاحبه با آن برخورد می‌کند، ابعاد دیگری از رابطه پشت‌پرده طالبان با دنیا را به نمایش می‌گذارد. حتی امروزه مشخص شده است که قدرت‌گیری طالبان در افغانستان هم پروژه‌ای بوده که غرب آن را به راه انداخته و امروزه هم به‌خوبی این گروه را تمویل می‌کند. درباره اینکه چه اهداف پشت‌پرده‌ای در براندازی دولت سابق افغانستان وجود داشته، حدس و گمان‌هایی زده می‌شود اما هنوز هم نمی‌توان با قاطعیت در این زمینه اظهارنظر کرد. افزایش خشونت‌ها و تنش‌ها در پاکستان بدون شک ارتباط مستقیمی با دولت طالبان دارد و این نقش را هیچ‌کسی انکار کرده نمی‌تواند و در طول تاریخ ۷۰ ساله حکومت پاکستان این‌گونه دولت این کشور در مقابل شورشیان داخلی ناتوان دیده نشده است و می‌شود گفت که آتش افغانستان فعلا دامن دولت پاکستان را گرفته و اینکه شعله‌های این آتش تا کجا کشیده خواهد شد، زمان همه چیز را روشن خواهد ساخت. دولت پاکستان به همه زیرکی‌اش در عرصه سیاست داخلی و خارجی‌اش امروزه در دام دولتی افتاده که خودش به وجود آورده و دیگر مشخص است که کنترلی بر آن ندارد. امروزه ما به نام‌های طالبان افغانی و طالبان پاکستانی زیاد برخورد می‌کنیم اما چیزی که زیاد برای مردم منطقه روشن نیست، این است که طالب افغانی و پاکستانی فقط پوششی برای ردگم‌کردن است و درواقع اینها در مرام ورفتار و عملکرد عین هم هستند و تفاوتی بینشان وجود ندارد و حتی از لحاظ قومی و زبانی هم از یک رگ و ریشه هستند. همه دنیا باید بداند که اتفاقات امروز در افغانستان اگر کنترل نشود و جلوی آن گرفته نشود، عواقب بسیار بدتر و وحشتناک‌تری خواهد داشت که نه‌تنها افغانستان و منطقه بلکه دنیا را متأثر خواهد کرد اما پرواضح است که جهان به عواقب اتفاقات در افغانستان هرگز فکر هم نکرده است. تعامل با یک گروه تروریست و تندرو، بهایی است که دیر یا زود هم منطقه و هم جهان تاوان آن را خواهد داد.

رهبران کشورهای عربی متحد اسرائیل نسبت به اقدامات کابینه نتانیاهو در قدس هشدار دادند

خشم اعراب علیه بی‌بی

اقدامات بنیامین نتانیاهو در قدس شرقی خشم رهبران کشورهای عربی را برانگیخته و این رهبران در نشست اخیر خود، کابینه نتانیاهو را مسئول تشدید خشونت و بحران در خاورمیانه اعلام کردند. ده‌ها نفر از رهبران و مقام‌های ارشد کشورهای عربی و اسلامی هشدار دادند اقدام‌های اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی و کرانه باختری هرج‌ومرج را بیشتر می‌کند و خشونت و جنگ بین اسرائیل و فلسطینی‌ها را افزایش می‌دهد. این درحالی است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، از گسترش شهرک‌سازی یهودیان در ۹ منطقه از کرانه باختری خبر داده است. سخنرانی‌های این رهبران و صدور این بیانیه هشدارآمیز علیه اقدام‌های کابینه بنیامین نتانیاهو در چارچوب نشست «شورای اتحادیه کشورهای عرب» در قاهره به میزبانی عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهوری مصر، انجام شد. در این نشست، به‌جز رهبران کشورهای عرب، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نیز حضور داشت. این نشست درحالی برگزار شد که از اولین روز سال ۲۰۲۳ تا یکشنبه ۱۳ فوریه، یعنی در کمتر از یک‌ماه و نیم، بیش از ۴۵ فلسطینی شهید شده‌اند. در آن‌سو هم اسرائیلی‌ها می‌گویند در حملات انتحاری فلسطینی‌ها تاکنون ۱۰ اسرائیلی جان باخته‌اند. سخنرانان در این نشست متفق‌القول در بیانیه‌ای «اقدام‌های یک‌جانبه» اسرائیل در بیت‌المقدس و کرانه باختری ازجمله تخریب خانه‌ها و گسترش شهرک‌سازی‌ها را محکوم کردند. کابینه بنیامین نتانیاهو هنوز به بیانیه این نشست هیچ واکنشی نشان نداده است. رهبران کشورهای عرب در چارچوب این نشست از اردن و پادشاه این کشور، ملک عبدالله دوم، خواستند برای «حفاظت از مسجدالاقصی» پادرمیانی کند و در مقابل «تهاجم و محدودسازی‌های» اسرائیل بایستد. مسجدالاقصی بر تپه‌ای در مرکز بیت‌المقدس بنا شده و یکی از مقدس‌ترین مکان‌ها برای یهودیان و مسلمانان است. این مسجد پیش از آنکه در قرن یازدهم میلادی به دست مسلمانان و صلاح‌الدین ایوبی فتح شود، یکی از مراکز عبادی مهم یهودیان بود. اسرائیل زمانی که در جنگ اول کیپور در سال ۱۹۶۷ مقابل اعراب به پیروزی رسید، مجوز گرفت زوار خود را برای عبادت به این مسجد و دیوار مقدس کناری آن بفرستد. حال کابینه

جدید راست‌گرایان افراطی اسرائیل می‌خواهد به دلایل امنیتی، حضور مسلمانان در این مسجد را با محدودیت‌های ویژه و بیشتری همراه کند. عبدالفتاح السیسی در این نشست، بیت‌المقدس را «ستون فقرات آرمان فلسطین» خواند و درباره «عواقب وخیم هرگونه اقدام اسرائیل برای تغییر وضعیت موجود این مکان مقدس» هشدار داد. او گفت: «این اقدام‌ها بر مذاکرات آینده حل‌وفصل مناقشه اسرائیل و فلسطین تأثیر منفی می‌گذارد». السیسی که کشورش نخستین کشور عرب بود که با اسرائیل روابط دیپلماتیک برقرار کرد، از جامعه جهانی خواست «راه‌حل تشکیل دو کشور را تقویت و برای ازسرگیری روند صلح، شرایط مساعدی ایجاد کند». ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن نیز در این نشست از مقام‌های اسرائیلی خواست از تجاوز و عبور از محدوده خود در رابطه با مسجدالاقصی خودداری کنند. او به اسرائیل هشدار داد: «منطقه بدون پیشرفت در زمینه حل مشکل فلسطین نمی‌تواند در صلح، ثبات و رفاه زندگی کند». احمد ابوالغیط، دبیرکل اتحادیه کشورهای عرب نیز تأکید کرد تلاش برای تقسیم مسجدالاقصی و محو هویت عربی و اسلامی آن، «به ناآرامی و خشونت بی‌پایان در منطقه دامن خواهد زد». محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، یکی دیگر از سخنران این نشست بود. او با انتقاد از انفعال جامعه جهانی، گفت دولت او به سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن متوسل خواهد شد و خواستار راه‌حلی برای حفاظت از راه‌حل دوکشوری اسرائیل و فلسطین می‌شود. او اضافه کرد: «دولت فلسطین برای حمایت از حقوق مشروع فلسطینی‌ها همچنان به دادگاه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی رجوع خواهد کرد». آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده، در ماه ژانویه با رهبران مصر، اسرائیل و فلسطین ملاقات کرده و از آنها خواسته بود تنش‌ها در منطقه را کاهش دهند.

هشدار بایدن

از طرف دیگر، تغییرات قضائی در اسرائیل واکنش ایالات متحده را هم برانگیخته و جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا، خواستار اجماع وسیع اسرائیلی‌ها بر سر تغییرات در قوه قضائیه اسرائیل شده است. کابینه بنیامین نتانیاهو که راست‌گراترین کابینه تاریخ اسرائیل را تشکیل داده، تغییرات گسترده‌ای در این قوه ایجاد کرده است که باعث شده هزاران نفر از اهالی اسرائیل در اعتراض به خیابان بیایند. روند تغییرات در قوه قضائیه احتمال دارد امروز از مجلس اسرائیل آغاز شود. نتانیاهو می‌خواهد قوه مجریه نقش بزرگ‌تری در انتخاب قضات داشته باشد و اختیارات دیوان عالی اسرائیل در زمینه لغو قوانین یا صدور حکم علیه قوه مجریه، کاهش یابد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند جامعه اسرائیل چندان پشتیبان خواست نتانیاهو و متحدان او برای تغییرات گسترده در قوه قضائیه نیست. به گزارش روزنامه «نیویورک‌تایمز»، بایدن در پاسخ به پرسش این روزنامه گفت: «نبوغ دموکراسی آمریکایی و دموکراسی اسرائیلی به این است که هر دو بر بنیان نهادهای قوی، اصول کنترل، توازن و قوه قضائیه مستقل بنا شده‌اند. رسیدن به اجماع برای تغییرات بنیادین، امری بسیار مهم است و تضمین می‌کند که مردم حامی این تغییرات باشند و در نتیجه، تغییرات بتوانند پایدار باشند». نتانیاهو درحالی به نخست‌وزیری اسرائیل بازگشته که با اتهام‌های متعددی در زمینه فساد اقتصادی روبه‌رو است و هم‌اینک نیز پرونده قضائی اتهام‌های او جریان دارد. برخی از حامیان او می‌گویند دستگاه قضائی اسرائیل با استفاده بیش از حد از قدرت خود، در عرصه سیاسی دخالت می‌کند و این تغییرات برای ایجاد توازن بین سه قوه ضروری‌اند. اما مخالفان می‌گویند تغییرات پیشنهادی نتانیاهو بیشتر برای نجات خود او است و این تغییرات با سیاسی‌کردن قضات، دموکراسی اسرائیل را نیز از میان می‌برد و استقلال قوه قضائیه را زیر پا می‌گذارد.

امکان دموکراسی و تحزب؟

ادامه از صفحه اول

در راستای حصول پاسخی کاربردی به پرسش آیا دموکراسی و تحزب ممکن است، تبیین کلی و مختصری از مفاهیم دموکراسی و تحزب ارائه می‌شود.

دموکراسی؟

در سراسر تاریخ جوامع، انتقال قدرت تنها از طریق انواع روش‌ها و ابزارهای سخت (خشونت‌آمیز) انجام شده است. دموکراسی محصول عصر روشنگری (تولد خرد جمعی) در اروپا، به‌عنوان میوه تحولات و توسعه علوم در عرصه‌های گوناگون و به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی است. به عبارتی عصر روشنگری در اروپا بستر نگاه کاربردی به چیستی انسان و چیستی و ساختار زیست اجتماعی شد. به بیانی، تلاش‌های فکری صورت‌گرفته در عصر روشنگری، انسان را از آسمان به زمین آورد. بنابراین دموکراسی به عنوان یک روش نوین حکمرانی، مبتنی بر حاکمیت قانون، محصول نگاه زمینی، کاربردی، قابل فهم و سنجش به انسان و نظم اجتماعی است. به ساده و کاربردی‌ترین بیان، «دموکراسی راهکار یا ابزار خردمحور عصر معاصر به‌منظور انتقال قدرت بدون اعمال خشونت بوده و هست». به عبارتی «دموکراسی، قدرت را از اراده انسان‌ها جدا و زیستی مستقل به آن (قدرت) داد». راهکار حکمرانی مبتنی بر دموکراسی به این معنی است که افراد، گروه‌ها یا جناح‌ها برای «مدت محدودی» در فرایند انتخابات، «پدیده مستقل قدرت» را به‌منظور اجرائی‌کردن برنامه‌ها و ایده‌های (اجتماعی و ملی) خود در اختیار می‌گیرند. مانند توپ طلایی (قدرت) که به برگزیدگان فوتبال (سیاست‌ورزان) در اروپا اهدا می‌شود، اینکه توپ طلا (قدرت) برای مدت محدودی در اختیار برترین فوتبالیست‌ها (احزاب) قرار می‌گیرد.

تحزب؟

کاربردی‌ترین تعریف پدیده تحزب اینکه «حزب در قرارداد ساختار حمکرانی دموکراسی، سازوکار مسالمت‌آمیز جابه‌جایی قدرت است». اما تعریف اجرائی و عمومی تحزب، اینکه حزب فعالیت سازمان‌یافته گروهی به‌منظور تحقق اهداف مشترک جمعی که متشکل از اهداف فردی است. شفاف و کاربردی‌ترین هدف یک حزب سیاسی «مشارکت در» یا «تأثیرگذاری بر» فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان کشور یا مناطق گوناگون یک کشور است. به عبارتی «هدف کاربردی» هر حزب سیاسی، مشارکت در توان (قدرت) اجرائی مدیریت کلان است. اینکه فعالیت سیاسی از طریق احزاب به معنی نظام‌مندکردن رفتار سیاست‌ورزان و صاحب‌منصبان و اولویت اهداف جمعی بر اهداف فردی و جناحی در عرصه سیاسی است. به بیانی فعالیت حزبی در جوامعی که «خرد و اراده ملی (جمعی)» مبنای ساختار مدیریت سیاسی باشد، معنی و کارکرد خواهد داشت. همان‌گونه که می‌دانیم در چنین جوامعی، ساختار مدیریت کلان سیاسی «تنها» مجری قانون اساسی به عنوان نقشه راه تحقق انواع نیازها، اهداف، خواسته‌ها، آرزوها و... (منافع ملی) همه شهروندان تحت حمایت حاکمیت است. اینکه در چنین جوامعی شهروندان برای بیان دیدگاه‌های خود نسبت به عملکرد کارگزاران و نهادهای گوناگون حاکمیتی به خیابان‌ها نمی‌آیند. به عبارتی سازوکار انتخابات جایگزین حضور در خیابان‌ها (میدان) شده است. اگر دموکراسی را روش یا سازوکار جابه‌جایی قدرت، «بدون خون‌ریزی» تلقی کنیم، آن‌گاه «انتخابات، عرصه تقابل شیفتگان قدرت»، «رأی‌دهندگان، سربازان (جنگجویان)» و «کاغذ رأی، شمشیر است». شاید پاسخ به پرسش، آیا دموکراسی و تحزب ممکن است؟ در پرسش‌هایی چون آیا استقرار دموکراسی واقعی در ایران، آن چیزی است که آمریکا، روسیه، چین، انگلیس، آلمان، فرانسه و... می‌خواهند؟ آیا استقرار دموکراسی واقعی، با توجه به توانایی‌ها، منابع و ذخایر ملی، ایران را تبدیل به یک رقیب جدی برای کشورهای توسعه‌یافته نمی‌کند؟ آیا ایران دموکراتیک، تأمین‌کننده منافع غرب، رژیم صهیونیستی و شرق است؟ و... نهفته باشد. یقینا بسیاری مخالف این گفته خواهند بود اما به باور نگارنده، دموکراسی و تحزب‌طلبی در کشورهای عقب‌مانده یک گمراهی یا انحراف سیاسی ترویج‌شده توسط کشورهای استعمارگر بوده است. به این دلیل ساده و کاربردی که ساختارهای مدیریت کلان محصول شرایط عینی، فرهنگی و تاریخی یک کشور است و نه پدیده‌ای وارداتی. به عبارتی، دموکراسی و تحزب محصول مستقیم «تولد و رشد خرد جمعی» است. اینکه «خرد جمعی» میوه توسعه علوم انسانی و علوم اجتماعی است که انسان را از آسمان به زمین آورد. آیا با توجه به عملکرد نخبگان در همه سطوح رسمی و غیررسمی می‌توان ادعا کرد که خرد جمعی در ایران متولد و رشد یافته است؟ آیا تلقی، درک و تصور از انسان، آسمانی یا زمینی است؟ و... . دموکراسی به مثابه یک روش یا ساختار حکمرانی ابعاد، زوایا، لایه‌ها و عناصر گوناگون متعدد و عمیق دارد. درحالی‌که بسیاری از روشنفکران جوامع پرچالش، فقط ظواهر دموکراسی را «می‌بینند» و درک عمیق، برنامه کاربردی و واقع‌بینانه برای فراهم‌کردن ملزومات و چگونگی استقرار دموکراسی ندارند. شاید خطا نباشد، اگر دموکراسی‌طلبان را با سازنده پراید که آرزوی تولید بنز یا تویوتا را دارد، مقایسه کنیم. به باور نگارنده با توجه به شرایط عینی داخلی، منطقه‌ای و جهانی، انتظار دموکراسی و تحزب، ناشی از اذهان رؤیاپرداز و هیجانی است. اینکه عرصه بی‌رحم سیاسی، فرصتی به اذهان رؤیاپرداز نمی‌دهد. شاید تداوم انواع و انبوه چالش‌ها غیرقابل‌توجیه درگذشته برایند «تصورات یا رؤیاهای» اذهانی است که می‌خواستند از طریق دموکراسی و تحزب، چالش‌های اجتماعی را حل‌وفصل کنند، باشد. واقع‌گرایی یعنی اگر روش‌ها و ساختارهای شناخته‌شده به هر دلیل توانایی مدیریت زیست پرچالش را نداشته باشند، وظیفه اندیشمندان، دلسوزان، دغدغه‌مندان و وطن‌پرستان است تا «تدبیر روش‌ها و ساختارهای مدیریتی کاربردی (اثربخش)، نوین و بومی را در دستور کار قرار دهند». به‌منظور رهایی شهروندان از زیست پرچالش، پرهیز از آینده پرمخاطره و اجتناب‌ناپذیر، صیانت از امنیت ملی، بسترسازی به‌منظور توسعه ملی و... ضروری است تا دغدغه‌مندان، نخبگان و اندیشمندان تلاش‌های ذهنی و عملی خود را معطوف به تولید برنامه‌ها و راهکارهایی به‌منظور تحقق آنچه ممکن و نه آنچه مطلوب است، کنند.

اهمیت شفافیت در سلامت و کارایی حکومت

ادامه از صفحه اول

اگر از بیش‌برآوردهای منابع درآمدی و درآمدهای موهومی که توسط مجلس برای تراز ظاهری بودجه صورت می‌گیرد، صرف‌نظر کنیم، مجموع یارانه‌ها با میزان ۶۶۰ همت، اختصاص سهام به صندوق تثبیت بازار سرمایه در تبصره ۲ بند ج به ارزش ۱۵ همت، ۴.۵ میلیارد یورو از طریق تحویل نفت خام به اشخاص حقیقی معرفی‌شده توسط دستگاه‌های اجرائی بابت تقویت بنیه دفاعی کشور یا طرح‌های محرومیت‌زدایی در تبصره یک‌بند ی، در جداول بودجه نیامده‌اند. همچنین تعهدات دولت به سازمان تأمین اجتماعی بالغ بر ۸۰ همت برآورد می‌شود ولی در لایحه تنها ۱۰ همت ذکر شده است. بنابراین مجموع ۶۶۰، ۱۵، ۷۰، ۲۱۶ (با محاسبه نرخ روز یورو)، معادل ۹۶۱ هزا میلیارد تومان خواهد شد؛ یعنی معادل ۴۸ درصد منابع عمومی بودجه کشور در جداول بودجه نیامده است. این سطح از عدم شفافیت در بودجه بسیار هشداردهنده است. همچنین تحویل نفت خام به افراد حقیقی به ارزش ۴.۵ میلیارد یورو ادامه همان روش بابک زنجانی است و احتمال دارد به تولید نمونه‌های مشابه ایشان بینجامد. هیچ سازوکار روشنی در این بند ی از تبصره یک نیامده است. این موارد می‌تواند بسترساز فساد در کشور باشد. هم‌سویی تجربه حکومتی امیرالمؤمنین و دنیای پیشرفته امروزی در امر شفافیت بیان‌کننده ضرورت آن در کشور ماست.

ادامه از صفحه اول

تقدم تولید به کدام معنا

تصور اغلب اقتصاددانان ایرانی این است که تولید مقدم بر توزیع و مصرف است؛ هرچند که بین آنها ارتباط وجود دارد و مصرف بدون تولید ممکن نیست و تولید بدون مصرف هم معنا ندارد؛ اما بخش توزیع مؤخر بر بخش تولید تلقی می‌شود. مارکس در مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی در فصل اول کتاب گروندریسه چنین تصور محدود و تنگ‌دامنه‌ای از تولید، مصرف و توزیع را مردود می‌شمارد و معتقد است تولید، مصرف است و مصرف، تولید به شمار می‌آید و اینکه توزیع می‌تواند مقدم بر تولید (به‌معنای محدود آن) باشد. از نظر مارکس توزیع در سطحی‌ترین مرحله، توزیع محصول و فراورده‌ها است؛ اما توزیع قبل از آنکه توزیع محصول باشد، توزیع وسایل و ابزار تولید است که به دنبال خود توزیع افراد جامعه میان انوع گوناگون بخش‌های تولید را رقم می‌زند. توزیع ابزار تولید می‌تواند ساختار تولید را تعیین کند و جدا انگاشتن آنها از هم خطاست. از نظر مارکس، توزیع فقط به‌معنای توزیع نتایج تولید نیست. توزیع ابزار تولید هم محتوا و هم شکل تولید را براساس شرایط تاریخی هر جامعه مشخص می‌کند.

بنابراین موضوع اصلی اقتصاد نه تولید (به‌معنای محدود آن) بلکه توزیع است. براساس‌این از دیدگاه مارکس، تولید از شکل خاص توزیع ابزار تولید آغاز می‌شود. در نتیجه، توزیع پیش‌شرط و اصل مقدم بر تولید به‌شمار می‌آید. برای فهم منطق توزیع و تولید در هر جامعه‌ای باید به شرایط و سنت تاریخی آن مراجعه کرد، به‌این‌دلیل که مدام تحول می‌یابند. در هر گسست تاریخی و شروع دوره تازه‌ای مثلا از رهگذر انقلاب‌ها، شیوه توزیع، پیش‌شرط دوران تازه تولید است. شیوه توزیعی که از مسیر تغییر قوانین، شکل مالکیت یا حتی سلب مالکیت رؤیت‌پذیر می‌شود. بنابراین از نظر مارکس، توزیع عوامل تولید یک فاز مهم و بنیاد تولید است. اگر تولید را به‌معنای محدود آن تولید در کارخانه و بنگاه تولیدی در نظر بگیریم، به‌وسیله جنبه‌های دیگر تعیین می‌شود؛ اما مارکس معتقد است تولید، مصرف و توزیع حلقه‌هایی از یک کل واحد هستند.

تشکیل هیئت مولدسازی دارایی‌های دولت نه یک تیم توزیعی است؛ بلکه جزئی از بخش تولید به حساب می‌آید، به‌این‌دلیل که براساس شیوه توزیعی که در پیش می‌گیرد، ساختار تولید و چگونگی توزیع ابزار تولید را تعیین می‌کند. در دوره‌هایی نیز چنین هیئت‌هایی تشکیل شده و بر ساختار تولید اثرگذار بوده است؛ مانند هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین. هرچند اختیارات آن کمتر بوده است. شیوه، روش و مسیری که این هیئت در پیش می‌گیرد، تعیین‌کننده فازهای بعدی تولید خواهد بود. تصمیم این هیئت، با توجه به توزیع ابزار و وسایل تولید نه‌تنها ساختار بخشی از تولید را تغییر می‌دهد بلکه مصرف و مبادله را نیز جهت می‌دهد. هیئت مذکور، نحوه مصرف سرمایه و تکنولوژی به‌اصطلاح مازاد دولت، مصرف‌کنندگان ابزار تولید اضافی و نحوه مبادله ابزار تولیدی را که خود هیئت برآورد می‌کند راکد است، تعیین می‌کند. هیئت تشکیل‌شده براساس نحوه توزیع سرمایه و تکنولوژی راکد، بخشی از اقتصاد را جهت می‌دهد.

اقتصاددانان که سخن از تولید به میان می‌آورند و از تقسیم‌بندی اقتصاد به سه سطح نیمه‌مستقل و درعین‌حال مرتبط به هم یعنی تولید، توزیع و مصرف دفاع می‌کنند که دراین‌میان تولید بر دو بخش دیگر تقدم دارد، باید به دو نکته توجه کنند: نخست، هر سه بخش جزئی از یک کل هستند، تولید به‌معنای محدود آن تحلیل و تبیین ناقصی از اقتصاد است و تولید به‌معنای کلی‌تر آن می‌تواند مقدم باشد؛ یعنی زمانی که توزیع ابزار تولید را هم شامل شود. دوم، توزیع فقط ناظر بر توزیع نتیجه تولید نیست بلکه پیش‌ازآن توزیع ابزار و وسایل تولید است که ساختار تولید (به‌معنای محدود آن)، مصرف و مبادله را تعیین می‌کند.

آگهی فقدان سند مالکیت

مشخصات ملک

سند مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین به شماره ۲۵۷۵۴ فرعی از ۴۶۷۸ اصلی مفروز و مجزا شده از ۱۷۳۸۸ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۴۰ تفکیکی واقع در بخش ۰۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک خاوران تهران استان تهران به مساحت ۲۰۸.۸ متر مربع

مشخصات مالکیت : آقای عباس تقوی قهی فرزند محمد شماره شناسنامه ۶۸۷ تاریخ تولد ۴/۸/۱۱۳۰/۱/۲۹ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۳۵۴۸۵۳۹۶

موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۱۵۱۸۵ الف سال ۸۵ ذیل ثبت به شماره ۴۱۷۹۷۶ دفتر ۲۵۹۰ صفحه ۲۸۵ ثبت گردیده است . اینک مالک فوق الذکر با ارائه دو برگ استشهادیه که بامضا شهود رسیده است و ذیل آن به گواهی شماره ۶۳۵۸ مورخ ۱۴۰۱/۵/۴ دفترخانه ۸ تهران گواهی امضا گردید مدعی است که اصل سند مالکیت به علت اسباب کشی و جابجایی مفقود گردیده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تاچنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و پس از انتقضا مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

م الف ۱۵۹۴۲ سرپرست ثبت خاوران

آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول)
انجمن مدیریت بهره وری ایران

بدینوسیله از اعضای محترم پیوسته انجمن دعوت به عمل می آورد که در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که از ساعت ۱۴ الی ۱۶ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۱ در محل تهران- یوسف آباد- خیابان سید جمال الدین اسد آبادی - خیابان سی و پنجم -بعد از تقاطع ابن سینا- کوچه شهید میرمحمد صادقی- پلاک ۵- برگزار خواهد شد شرکت فرمایند. دستور جلسه : ۱ -استماع گزارشات رئیس هیات مدیره و بازرسین قانونی ۲- بررسی و تصویب صورتهای مالی دوره گذشته ۳- انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرسین قانونی ۴- سایر موارد

هیات مدیره

آگهی دعوت از بستانکاران (مسئولیت محدود)
آگهی دعوت از بستانکاران شرکت مهر فام عماد (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۵۱۶۱۴۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۹۷۰۸۵
در اجرای ماده ۲۱۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت مهر فام عماد در حال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۵۱۶۱۴۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۹۷۰۸۵ که آگهی انحلال آن در صفحه ۳۱ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۲۰۴۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۵ درج گردیده است دعوت به عمل می‌آید تا ظرف مدت حداکثر یک سال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه آقای عماد فرجادی به شماره همراه ۰۹۱۲۲۳۹۲۹۹۵ مستقر در آدرس تهران –محله امانیه – بلوار نلسون ماندلا – خیابان شهید امین کاج آبادی- پلاک ۸۹ کدپستی ۱۹۶۶۹۳۷۵۸۳ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت.
مدیر تصفیه شرکت مهرفام عماد (مسئولیت محدود) در حال تصفیه- آقای عماد فرجادی

آگهی دعوت مجامع عمومی فوق العاده و عادی بطور فوق العاده موسسه مجتمع مسکونی ترنج رویان به شماره ثبت ۱۲۷ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۲۲۴۲۲۰ بدین وسیله از کلیه مالکین دعوت می گردد در جلسات مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۷ ساعت ۱۰ با دستور جلسه تصویب اساسنامه جدید و مجمع عادی بطور فوق العاده ساعت ۱۱ با دستور جلسه انتخاب و تعیین سمت هیات مدیره و صاحبان امضا و تعیین شیوه اطلاع رسانی و سایر موارد در محل قانونی موسسه برگزار میگردد حضور به هم رسانند .

هیات مدیره

یک شرکت تولید محصولات خورشیدی درشهر اصفهان در نظر دارد تجهیزات آبگرمکن خود را شامل مواد اولیه و خط تولید را به فروش برساند از کلیه متقاضیان دعوت میشود جهت دریافت لیست کالا های مورد نظر با شماره تلفن ۰۹۱۳۷۴۱۷۲۹۶ تماس حاصل و جهت بازدید از کالا ها تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۵ به آدرس اتوبان اصفهان تهران –مقابل پمپ بنزین قدس –شرکت ریسندگی بافندگی قدس مراجعه نمایند و تا پایان وقت اداری ۱۴۰۱/۱۲/۰۵ پیشنهادات خود را تحویل نمایند.